

گفتگوی نشریه کار با رفیق مژده فرهی

عضو تحریریه نشریه کار

به مناسبت ۸ مارس

س- مبارزات زنان در اروپا، در دهه های
آخر قرن گذشته، چه ویژگیهایی داشته است؟

ج - مبارزات زنان در بسیاری از کشورهای اروپایی طی دو سه دهه اخیر، پراکنده، موردی و کم دامنه بوده است. تلاشها و مبارزاتی که حول کسب حقوق و آزادیهای مدنی و فردی طی سالهای ۶۰ تا اواخر دهه ۷۰ قرن گذشته صورت گرفت، تاحدی که درچارچوب جوامع سرمایه‌داری ممکن بود، به سرانجام رسید. این مطالبات عمدتاً کسب حقوق برابر با مردان در همان محدوده سرمایه‌داری بودند. مضمون‌خواست‌ها و ترکیب افشار ذینفع، شکل خاص مبارزاتی رابا خود به همراه داشت. تلاش برای موارد فوق نه در قالب سازمان و گروه و تشکل که در قالب گروه‌های تحقیق جهت بررسی موارد تبعیض‌زا در مورد زنان بود. در واقع نخبگان در استخدام نهادها و ارگان‌های دولتی یا نیمه دولتی در آمدند تا "با کشف" موارد نابرابر، زمینه طرح تبصره‌های تکمیلی و اصلاحی فراهم‌آورند. این گرایش عمده طی این دوران بود. در کنار این، در کشورهای مختلف اشکال دیگری موجود بودند که همان مطالبات را به شکلی "رادیکال" دنبال می‌کردند که خود را آنارکو-فمینیسم می‌نامیدند و بر شکل‌داری - بوروکراتیک دسته اول خرده می‌گرفتند. نمونه بارز این گرایش، گروه‌ها و تشکل‌هایی هستند که در کشورهای اروپا و آمریکا طی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ برای حق سقط جنین به مبارزه برخاستند و باتوسل به اشکال جنجال‌آفرین، سعی در جلب افکار عمومی نمودند. هر دو گرایش، به رغم اختلاف شکل، مضمون‌خواست‌های مشترکی را مد نظر داشتند که همانا رفرم‌های قابل حصول درچارچوب سرمایه‌داری بود. شاید بتوان آخرین مورد از این تلاش‌ها را کسب آزادی ازدواج و سایر حقوق اجتماعی برای همجنس‌گرایان در برخی از این کشورها، هم در سال‌های اخیر دانست. سوای این موارد، مطالبات و خواست‌های اساسی زنان طبقات و افشار پائینی در این جوامع که در تضاد با جامعه سرمایه‌داری است، طی دو دهه اخیر همچنان لاینحل مانده است.

س - تفاوت دو دهه‌خیر با سال‌های پیش از آن در چه بود؟

ج - طی دوده‌گذشته رونق اقتصادی و رفاه نسبی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ جای خود را به تنزل سطح زندگی داده است. به لحاظ اجتماعی، هنوز دستمزد زنان در کشورهای پیشرفته اروپایی، درمقایسه با مردان ۲۰٪ کمتر است، هنوز بخش اعظم زنان شاغل، به کار نیمه وقت اشتغال دارند، هنوز مشکل مهد کودک در این کشورها حل نشده است بلکه کمبود این مراکز بیش از پیش وجود دارد. بنا بر تحقیق یک موسسه اروپایی وابسته به پارلمان اروپا که "امررهای" زن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، در یک سوم کشورهای اروپایی از جمله هلند، سوئیس و فنلاند، کمبود مهد کودک در ردیف کشورهای رو به توسعه است. بدیهی است که حل نهایی و قطعی مجموعه معضلات فوق در چارچوب جامعه سرمایه‌داری میسر نیست و در نهایت و تحت شرایط خاص رونق اقتصادی ممکن است موقتا و بخشا تخفیف یابد، اما حل قطعی در ظرفیت سرمایه داری نیست. طرح این مطالبات، فرموله کردن آنها، بسیج و سازماندهی زنان حول این موارد برعهده نیروهایی است که نظام سرمایه داری را نقد می‌کنند و در واقع ریشه‌ها و علل اصلی تبعیضات اقتصادی، اجتماعی را به زیر ضرب می‌برند. این رسالت ازعهده گروه‌های محدود و پراکنده‌ای که طی سال‌های ۶۰ و ۷۰ فعال بودند، خارج است. این گروه‌ها و گرایش‌ها در پایان رسالت‌شان، متمایز شدند و از مبارزه متشکل به مبارزه فردی رسیدند. طی دو دهه اخیر، بسیاری در موسسات و انستیتوهای مطالعاتی و تحقیقاتی زنان به کار مشغول شدند. برخی دیگر به انجام امور خیریه و انسان‌دوستانه روی آوردند و بخشی به مشاورین دولتی تبدیل شدند. البته بخشی نیز با اذعان به کمبودها و محدودیت‌های جنبش‌های زنان طی دهه‌های گذشته یا در تلاش یا انتظار پیوستن به جنبش نوین و رسالت‌مند هستند. در اواخر دهه ۹۰ قرن گذشته، با رشد و ارتقاء جنبش "ضد گلوبالیزاسیون"، نطفه‌های یک جنبش جهت دار و هدف مند و جنبش ال‌ترناتیو نظام سرمایه داری شکل گرفت. تجمع و همکاری مشترک در جریان جنبش اخیر، بحث و تبادل نظر، طرح "مانیفست زنان جهان" از جمله این اقدامات هستند. گرچه هنوز ترکیب و تنوع نظری در میان جنبش ضد گلوبالیزاسیون بسیار زیاد است اما بخشی از نیروهای آن که عمدتا

کمونیست‌ها و گرایش‌های مترقی و رایکال‌اند، در پی ایجاد بلوکی بین‌المللی هستند. برخی گروه‌های زنان نیز بخشی از این نیروها هستند. به طور نمونه در جریان "فوروم اجتماعی اروپا" که چند ماه پیش در فلورانس - ایتالیا برگزار شد، گروهی از زنان کشورهای مختلف طرح مانیفستی را منتشر نمودند که در آن از علل و عوامل پایه - ای نابرابری و تبعیض علیه زنان گفته شده بود. استعمار و بی‌حقوقی زنان جهان - چه اروپا، چه آسیا و آفریقا - محکوم شده بود. خشونت علیه زنان در کلیه اشکال دولتی، اجتماعی و فردی محکوم گشته بود. مجموع مفاد این مانیفست، حاوی مضمونی رادیکال و انقلابی است که چنانچه در دستور کار فوری زنان قرار گیرد، از محدوده‌های سرمایه داری فراتر خواهد رفت و تحولات بنیادین را طلب می‌کند.

نکته مثبت و نوین در این عرصه، همبستگی واقعی و عملی بین گروه‌های درگیر است. گروه‌های زنان کشورهای مختلف در عمل در کنار یکدیگر به طرح مطالبات و خواست‌های خود می‌پردازند و کپی برداری جای خود را به همکاری مشترک داده است. در جریان همین مبارزات مشترک در ماه‌های اخیر، گروه‌های زنان رادیکال و انقلابی، پس از سال‌ها، برگزاری باشکوه ۸ مارس را پیش روی خود گذاردند، تا با حفظ سنت‌های مبارزاتی زنان کارگر و زحمتکش، این روز سرخ را ارج گذارند.

س- چه برنامه‌هایی برای ۸ مارس در دست تدارک است؟

ج- امسال با توجه به احتمال جنگ علیه عراق، در اکثر مراسم در کشورهای اروپایی و شمال آفریقا، سازمان‌های زنان چپ، تلاش دارند، روز ۸ مارس را به روز مخالفت با جنگ تبدیل کنند. در برخی از شهرهای کانادا از ۱ تا ۸ مارس، یک هفته به این موضوع اختصاص داده شده است. در اروپا (فرانسه، اسپانیا، ترکیه و...) با برگزاری تظاهرات ضد جنگ، روز ۸ مارس را قرار است برگزار نمایند. در هند جایی که ۴۵۰ گروه زنان به "فوروم اجتماعی جهانی" (WSF) پیوسته‌اند و اصرار بر جهانی شدن مبارزه علیه ستم و تبعیض دارند، در شهرهای مختلف، ۸ مارس را با عنوان "نه به جنگ" برگزار می‌کنند. در فلسطین و مناطق اشغالی، کمپین زنان علیه جنگ و کشتار ماه‌هاست به فعالیت خود ادامه می‌دهد. در شرق اروپا، حتی ماه‌ها قبل از ۸ مارس سازمان‌های زنان

با برگزاری آکسیون، تظاهرات، میتینگ به مخالفت با جنگ برخاسته اند و فعال تر از غرب اروپا و شمال آفریقا، در این عرصه تلاش کرده اند.

س- گروه‌های زنان در شرق اروپا چه وضعیتی دارند؟ چه موضوعاتی در دستور کار آنهاست؟

ج- زنان در کشورهای شرق اروپا که سابقاً به بلوک شرق موسوم بودند به لحاظ اجتماعی، وضعیت متفاوتی دارند. در بلوک شرق، درجه تحصیلات زنان و میزان اشتغال -شان در مقایسه با کشورهای اروپا بالاتر بود و به لحاظ اجتماعی، موقعیت برتری نسبت به جوامع سرمایه‌داری دارا بودند. فروپاشی بلوک شرق و بحران اقتصادی حاصل از آن موجب کاهش اشتغال، تنزل سطح دستمزدها، افزایش بیکاری، فقر و فحشا شده است. در این کشورها، نسلی که دوران قبل و بعد از فروپاشی را تجربه کرده است، به مبارزه‌ای جدی علیه توهّمات و وعده‌های واهی سرمایه‌داری برخاسته است. این گرایش عمدتاً در چارچوب سازمان‌های مستقل زنان (مستقل از دولت) فعالیت می‌کنند. به طور مثال در تابستان سال جاری، ۲۱ سازمان زنان از ۱۴ کشور از شرق اروپا به بررسی پی آمدهای تحولات دهه قبل خواهند پرداخت. در تظاهرات پیش‌کنگره، مباحثی منتشر شده که سخن رانان به وضعیت اقتصادی - اجتماعی زنان در قبل از فروپاشی پرداخته و وعده و وعیدهای سرمایه‌داری را نقد و افشاء می‌کنند. در این کشورها از دست دادن برخی حقوق زنان را مصمم‌تر به مبارزه می‌کشاند و طبیعی است که در این مسیر تعبیر و برداشت‌های متعدد و متفاوت از جنبش زنان، فمینیسم و... موجود باشد. اخیراً مقاله‌ای حاوی مصاحبه با ۱۰۰ دختر و زن جوان کروات منتشر شده است. نویسنده در گفتگوی خود با نسل جوان در "کرواسی" به ارائه تعبیر آنان از فمینیسم می‌پردازد. جمع‌بندی این مقاله این است که اکثر مصاحبه‌شوندگان، ابتدا برابری و رهایی اقتصادی را طالبند و پس از آن خواهان تدقیق حقوق و آزادی‌های فردی‌اند. نتیجه دیگر مقاله این است که اکثریت نمی‌خواهند خود را فمینیست بنامند چرا که آن واژه را محدود و کم‌دامنه ارزیابی می‌کنند. نویسنده همچنین واژه "فمینیسم رادیکال" را به بحث گذارده و جویایی نظر مصاحبه‌شوندگان شده است (این واژه در اروپا و آمریکای شمالی به گرایش درون فمینیست‌ها اطلاق می‌شد که رهایی زن را به رهایی در حیطة و قلمرو زندگی فردی منوط می‌دانستند. این گرایش خصوصاً در اروپا و به ویژه در هلند

طی سال های اواخر دهه ۷۰ قرن گذشته بدانجا انجامید که بسیاری از فعالین زن برای "رهای خود" هرگونه رابطه با مردان را مردود دانستند و همجنس گرایی را انتخاب نمودند. از نظر مصاحبه شوندگان کروات، "فمینیسم رادیکال"، آن گرایشی است که به طور قطعی وریشه ای مشکلات زنان را مد نظر قرار دهد و جهت مبارزه با آن گام بردارد. این موارد نشان می دهد که مبارزات زنان تعریف و تعابیر متأثر از شرایط و وضعیت اقتصادی، اجتماعی آنان است. البته به موازات این مسئله، در همین کشورها شاهد تلاش های بین المللی برای جهت دادن و کانالیزه کردن مبارزات زنان به سمت و سوی لیبرالی نیز هستیم. یکی از این تلاش ها، ایجاد "انستیتوی جامعه باز" (OSI) در کلیه کشورهای سابق بلوک شرق است. میلیاردر آمریکایی آقای جورج سوروس که سالانه ۱۵۰ میلیون دلار از سودهای حاصله را به "سازمان های خیریه" اختصاص می دهد، از سال ۹۵ به بعد در این عرصه فعال است. جورج سوروس از هواخواهان "دمکرات ها" در امریکاست که معتقد است که بیش از پیش باید به سرمایه گذاری در حیطه "معنوی" در سایر کشورهای پرداخت. از نظر وی تحت عنوان شعار "جامعه باز" و "جامعه مدنی" می توان به این امر همت گماشت. "زنان" یکی از این عرصه هاست. وی با گشایش شعبات "انستیتوهای جامعه باز" در این کشورها، استخدام نیروهای محلی و تعیین خط مشی سیاسی حاکم بر فعالیت و عمل کرد این نهادها به تضعیف سازمان ها و گروه های غیردولتی زنان در این کشورها می پردازد. شرکت در دوره های آموزشی، بورسیه برای تحصیل در امریکا، پرداخت هزینه سفرهای داخلی و خارجی تنها در ازای تن دادن به شرایط مطروحه ممکن می گردد. عدم عضویت در احزاب کمونیست، اعتقاد به "مبانی جامعه مدنی" از جمله پیش شرط های سیاسی این موسسه می باشد. طبیعی است مجموعه خدمات آموزشی فوق برای نسل کم تجربه در کشورهای بلوک شرق جذابیت فراوانی دارد. لذا بخش عمده فعالیت سازمان های زنان مستقل (غیر دولتی) متوجه توضیح و افشاء این تلاش ها و جلب این زنان به سوی سازمان های غیر وابسته به ارگان ها و نهادهای مالی است. در فوریه سال جاری دفتر مرکزی OSI (در نیویورک) مجبور به انحلال چهار شعبه از "انستیتوی جامعه باز" شد. علت این امر "درگیری های محلی" اعلام شد. منظور از این درگیری ها، عدم موافقت

نیروهای مجری در این موسسه با دفتر مرکزی در نیویورک بود.

س- ارتباط بین این سازمان‌های غیردولتی در شرق اروپا با غرب اروپا چگونه است؟

ج- این سازمان‌ها به منظور تامین امکانات مالی، تدارکاتی با موسسات غیر دولتی شمال آمریکا و غرب اروپا ارتباط و تماس دارند. حتا گاه پروژه‌های مشترک عملی و نظری پیش می‌برند. بیشترین همکاری بین سازمان‌های غیردولتی زنان در شرق اروپاست. زبان مشترک و مشکلات مشابه، زمینه‌های مساعد همکاری را بین آنان به وجود می‌آورد. از همین روست که کنگره‌های خود را نیز مشترک برگزار می‌کنند. این سازمان‌ها و گروه‌ها علاوه بر ایجاد کانال‌های ارتباطی برای تماس و ارتباط با زنان کشورهای خود، به ارتباط فرامرزی نیز اهمیت فراوان می‌دهند. مثلا در این کشورها، به دلیل وجود "کولی‌ها" (Roma) که خانه و کاشانه ثابتی ندارند و عمدتا زندگی سیار دارند، سازمان‌های زنان در مناطق مختلف امر "آموزش سیار" به کودکان آنها رابه عهده گرفته اند. باتوجه به جنگ و ویرانی و فقر طبیعی است که این امر با ابتدایی ترین امکانات صورت می‌گیرد. در آن واحد، همین سازمان‌ها از طریق شبکه الکترونیکی و خدمات مشابه در محیط‌های آکادمیک، پل ارتباطی با سایر نقاط جهان را برقرار می‌کنند. در واقع در اینجا بسیاری از آکادمی‌-سین‌ها، به نحوی از انحاء در مبارزات روز مره نیز نقش دارند و برخلاف غرب اروپا، دیوار چینی، این دو را از هم جدا نمی‌کند. این سازمان‌ها طی ۲-۳ سال گذشته در عرصه همبستگی با مبارزات زنان سایر کشورها نیز پیشتاز بوده‌اند که از جمله می‌توان به حمایت آنان از صلح در خاورمیانه، محکومیت خشونت مذهبی (سنگسار، شلاق، ممنوعیت سقط جنین و...) اشاره کرد.

(برگزیده از کار ۴۰۰ اسفند ۸۱)